



در خدمت همشهریان عزیز

سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴ - میر مجیدی



حکیم پرسش گر

در دایره ای کاملان و رفتن ماست
او را نه بدایت، نه نهایت پیداست
کس می نزند نیز در این معنی راست
کین آمدن از کجا و رفتن به کجاست؟
و یا در رباعی دیگری می فرماید:
آنها که کهن بودند و آنها که نوند
هریک به مراد خویش، لَحْتی بدوند
این سفله جهان، به کس نماند باقی
رفتند و روم و دیگر آیند و روند
او به ماهیت انسان اصالت می دهد
و انسان را بنیان و مرکز هستی بر
می شمارد و فریاد می زند که:
در جستن جام جم جهان پیمودم
روزی ننشستم و شبی نغزودم
ز استاد چو راز جام جم بشنودم
خود جام جهانِ نمای جم من بودم
خیام آشکارا از انسان می خواهد
که فرصت را غنیمت بداند و از
زندگی درووزه بهره خود را ببرد و
بیهوده زانوئی غم در بغل نگیرد و
قدر لحظات را بداند و می، سرباید که:

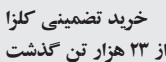
ادامه در صفحه ۲



فرانسیس بیکن



در مسیر پایداری

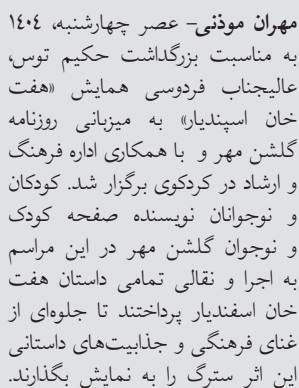


تداوم رسمی بودن زبان فارسی در هند



به مناسبت روز حکیم توس برگزار شد:

اسپندیار



سرمدمدار اخلاق و فضیلت

شهربانو برهانی، فرماندار کردکوی که مهمان بزرگداشت حکیم توس بود، ضمن تقدیر و تشکر از توجه عوامل برگزاری این مراسم به فرهنگ ایران، درباره جایگاه والای فردوسی و شاهکار منظوم او گفت: بزرگداشت ابوالقاسم، منصور بن حسن توسی، متخلص به فردوسی که سراینده شاهنامه، شاهکار ادبیات حماسی فارسی است، روز مهمی برای ماست. جای دارد تا این همایش‌ها هرساله برگزار شوند و نسل جوان ما را با ادبیات و فرهنگ اصیل ایرانی آشنا کنند. در زمانه کنونی که هجمه‌های خطرناکی وجود دارد که مسیر فرهنگی ما را تغییر می‌دهد، این ما هستیم که باید محکم از تاریخ، فرهنگ و مشاهیرمان دفاع کنیم. با استفاده از ظرفیت‌هایی، مثل شاهنامه

فردوسی، کودکان و نوجوانان ما اخلاق را خواهند آموخت. در شاهنامه فردوسی طبعی لطیف و روحیه‌ای وطن‌پرستانه به چشم می‌آید. در ادبیات حکیم توس ابتدا دروغ، تملق و هجو وجود ندارد. بلکه سرشار از اخلاق‌گرایی و فضیلت است. توصیفی که از شجاعت و بیداری مردم ایران در شاهنامه وجود دارد، هر انسانی را متأثر خواهد کرد.

اندیشه ایرانشهری

احسان مکتبی، صاحب امتیاز روزنامه گلشن مهر علاوه بر تقدیر و تشکر از حضور تمامی حضار و دست‌اندرکاران، از جمله فرماندار و سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد کردکوی، گام برداشتن کودکان و نوجوانان گلشن مهر در حوزه شعر و ادب فارسی را دستاوردی حائز اهمیت دانست. وی همچنین

کلاهمس ستون‌های زبان فارسی را استوار ساخت و در تاریک‌ترین روزهای هجوم بیگانگان چراغ فرهنگ و هویت ایرانی را روشن ساخت. فردوسی نه تنها با خلق شاهنامه حماسه‌آفرینی کرد، بلکه حافظ ریشه‌های ملی و زبان مادری ما شد. یاد و نام فردوسی همواره در قلب ایرانیان زنده است. چرا که وی نه تنها یک شاعر، بلکه پیام‌آور عزت، آزادی و دانایی بود. امیدوارم این آیین گامی باشد در راه شناخت عمیق‌تر میراث گرانسنگ ادب فارسی و ارج نهادن به بزرگان فرهنگ این مرز و بوم.

کودکان و نوجوانان گلشن مهر

آزاده حسینی، دبیر سرویس کودکان و نوجوان گلشن مهر درباره اجرا و نقالی کودکان و نوجوانان گلشن مهر گفت: نخستین بار سال ۱۳۹۶ همایش بزرگداشت فردوسی را در همین سالن گرامی داشتیم و هفت خان رستم را روی صحنه بردیم. نوجوانانی که آن زمان در این اجرا شرکت داشتند در

پیام آور عزت و آزادی

ابوالفضل نجف‌زاده، سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد کردکوی که از جمله هممانان این نشست بود، با تقدیر و تشکر از فعالیت‌های فرهنگی گلشن مهر، شاهنامه فردوسی را آتش چراغ فرهنگ و هویت ایرانی خواند و اظهار داشت: فردوسی مردی بود که با شکوه

ادامه در صفحه ۲

ادامه تیتراول

هر کدام از این بچه‌ها ابیاتی از حافظ و سعدی را حفظ هستند و حدود ۲۰ بیت از شاهنامه را می‌توانند نقالی کنند. وی ادامه داد: امروز هیچ اجرای انفرادی‌ای نخواهیم داشت و یک گروه واحد را برای اجرای هفت‌خان اسپندیار روی صحنه خواهیم برد. در واقع ما تنها از وحدت صحبت نمی‌کنیم، بلکه آن را به تصویر می‌کشیم تا بتوانیم زبان پارسی را پاس بداریم. کودکان و نوجوانان گروه ما در کارگاه‌های آموزشی روزنامه گلشن مهر در کنار هم استانی‌های خودشان با ادبیات فارسی آشنا شده‌اند.

تأثیرگذاری بر خیام و حافظ

مهران انارکیان، مدرس و حافظ‌پژوه گلستانی در ادامه بزرگداشت عالی‌جناب فردوسی، تأثیر شاهنامه او بر اشعار و افکار خیام و حافظ را زیر ذره‌بین برد و گفت: یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های اشعار فردوسی، حافظ و خیام حیرت در کار جهان و ندانستن راز اوست. سؤال بزرگ و جاودانه همه افراد بشر که نمی‌دانند از کجا آمده و به کجا خواهند رفت. حتی مولانا می‌گوید: پر کاهم در مسیر تندباد/ من نمی‌دانم کجا خواهم افتاد. فردوسی نیز در مقدمه رستم و سهراب می‌گوید: اگر تندبازی برآید ز کنج/ به خاک افکند نارسیده ترنج، ستمکاره خوانیمش ار دادگر/ هنرمند دانیمش ار بی‌هنر/ اگر مرگ دادست بیداد چیست/ ز داد این همه بانگ و فریاد چیست/ از این راز جان تو آگاه نیست/ بدین پرده اندر تو را راه نیست. همین اندیشه را مولانا نیز دارد: از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود/ به کجا می‌روم آخر نمایم وطنم/ مانده‌ام سخت عجب کز چه سبب ساخت مرا/ یا چه بوده‌ست مراد وی از این ساختنم. این حیرت را حافظ هم دارد: از هر طرف که رفتم جز حیرتم نیفزود/ زنه‌ار از این بیابان وین راه بی‌نهایت. در جایی دیگر می‌گوید: چون هر دری که گشودم رهی به حیرت داشت/ از این سپس من و رندی و وضع بی‌خبری. انکار در



شعر حافظ نیست. اما یقین مطلق هم نیست. نه روشنی محض است و نه تاریکی محض: مردم در این فراق و در آن پرده راه نیست/ یا هست و پرده‌دار نشانم نمی‌دهد. فردوسی می‌گوید: ز روز گذر کردن اندیشه کن/ پرستیدن دادگر پیشه کن/ به نیکی گری و میازار کس/ ره رستگاری همین است و بس. و این یعنی فردوسی اعتقاد کامل دارد. همچون حافظ که می‌گوید: حافظ از معتقدان است گرمی دارش/ زان که بخشایش بس روح مکرم با اوست. اما در شعر خیام رگه‌های یاس و ناامیدی وجود دارد. خیام در رباعی معتبری که در مرصعالعباد آمده می‌گوید: در دایره‌ای که آمد و رفتن ماست/ او را نه بدایت نه نهایت پیدااست/ کس می‌زند دمی در این معنی راست/ کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست. خیام همچنین در یک رباعی اعتراضی می‌گوید: جامی ست که عقل آفرین می‌زندش/ صد بوسه ز مهر بر جبین می‌زندش/ این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف/ می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش. فردوسی هم معترض است: جهاناندارم چرا پروری/ چون پرورده خویش را بشکنی/ جهانانچه بدمهر و بدگوهری/ که خود پرورانی و خود بشکنی. حافظ هم به وفور ابیات اعتراضی دارد: این چه استغناست یا رب وین چه قادرحکمت است/ کاین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست. در آن غزل زیبا نیز می‌گوید: زان یار دلنوازم شکری ست با

شکایت/ گر نکته‌دان عشقی خوش بشنو این حکایت/ بی‌مزد بود و منت هر خدمتی که کردم/ یا رب مباد کس را مخلصم بی‌عنایت/ در زلف چون کمندش ای دل میبچ کآنجا/ سرها بریده بینی بی‌جرم و بی‌جنایت/ از هر طرف که رفتم ز حیرتم نیفزود/ زنه‌ار از این بیابان وین راه بی‌نهایت. حتی مولانا که عارف است نیز به خداوند اعتراض می‌کند. اگرچه که سریعاً اعتراضش را پس می‌گیرد، اما نشان می‌دهد که اهل شکایت است: که این سو عاشقان باری چو عود کهنه می‌سوزد/ و آن معشوق نادرتر کز او آتش فروزانست/ خداوندا به احسانت به حق لطف و اکرامت/ مگیر آشفته می‌گویم که جان بی‌تو پریشانست/ تو مستان را نمی‌گیری پریشان را نمی‌گیری/ خنک آن را که می‌گیری که جانم مست ایشانست/ اگر گیری ور اندازی چه غم داری چه کم داری/ که عاشق هر طرف این جا بیابان در بیابانست/ بخندد چشم مرخش مرا گوید نمی‌ترسی/ نگارا بوی خون آید اگر مریخ خندانست/ دلم با خویشتن آمد شکایت را رها کردم/ هزاران جان همی‌بخشد چه شد گر خصم یک جانست.

سازهای شاهنامه

اسماعیل شافعی، مدرس موسیقی دیگر سخنران این جلسه بود که به اثر سترگ حکیم توس پرداخت و چندی از سازهای موسیقی آن را مورد بررسی قرار داد.

وی در همین باره عنوان کرد: در شاهنامه دو نوع ساز رزم و بزم وجود دارد. چنگ از جمله سازهای بزمی شاهنامه است. انسان‌های اولیه پس از شکار گوزن به شادی و پایکوبی می‌پرداختند. از روده همان گوزن دو، سه و بعضاً چهار زه می‌ساختند و در کمان‌هایشان می‌انداختند. این یک شکل ابتدایی از موسیقی و ساز چنگ بود. سال‌ها گذشت و بر اساس فرهنگ هر قومی، به ساز چنگ سیم‌هایی اضافه شد. متأسفانه هزار سال است که در کشور ما این ساز چندان دیده نمی‌شود و علتش هم زنانه تعبیر شدن آن است. امیدوارم که این ساز احیا شود تا بتوانیم به‌مانند گذشته از آن بهره‌مند شویم. نی نیز یکی دیگر از سازهای موجود در شاهنامه است که هم در رزم و هم در بزم کاربرد داشته است. نوازندگان نی با بهره‌گیری از امکانات این ساز، قطعاتی را متناسب با وزن حماسی شاهنامه ساخته‌اند که همان حس حماسی و وطن‌دوستانه را منتقل می‌کند.

تأثیر بر عرفان

فراهی، شاعر و پژوهشگر ادبیات تأثیر شاهنامه بر عرفان را یکی از مسائلی دانست که به اندازه کافی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. وی در این باره عنوان کرد: خوشبختانه درباره فردوسی تحقیقاتی خوبی شده و کتاب‌های خوبی در اختیار عموم قرار گرفته است. یکی از مسائلی که کم‌تر در این باب مورد توجه قرار گرفته، تأثیر شاهنامه بر عرفان است. اسفندیار هفت‌خان را برای بازگرداندن خواهرانش به تعبیری هفت شهر عشق عطار را می‌پیماید. در شاهنامه یک ابرقهرمان و در عرفان، یک انسان کامل این مسیر را می‌پیماید. یکی دیگر از مسائل کم‌تر توجه‌شده از شاهنامه، ادب فردوسی است. بسیاری از گفته‌های بد شاهنامه از زبان شخصیت‌های شاهنامه است که همان‌ها نیز مؤدبانه بیان شده‌اند. به طور مثال در این بیت از زبان فریدون یک توهین به زبانی مؤدبانه بیان می‌کنند: کسی کو برادر فروشد به خاک/ سرد گر نخواندش از آب پاک. یک معضل دیگر امروز جعلیات منسوب به فردوسی در فضای مجازی توسط برخی بلاگرهاست. گاهی نیز ابیاتی زیبا به اسم برخی شعرا منتشر می‌شود. به طور مثال این بیت زیبا: خدایا چنان کن سرانجام کار/ تو خشنود باشی و ما رستگار بیت زیبایی است. اما از آن فردوسی نیست و در واقع نظامی گنجه‌ای آن را به صورت دیگری سروده است.

میشاق بزرگان فوتبال باپورنیک



خوبی دیده شد. پس از آن تیم‌های بزرگ پایتخت مثل پاس، پرسپولیس و تعدادی دیگر خواهان به خدمت گرفتن وی شدند اما پورنیک دوست

بهنام نیک پیام-در نخستین سال درگذشت پورنیک قوشچی، بزرگان و پیشکسوتان فوتبال گرگان و مازندران بر مزارش در گرگان گرد آمدند و یادش را گرامی داشتند. پورنیک که در نگاه اکثر جامعه ی فوتبال از برجسته ترین فوتبالیست های شمال کشور بود و خیلی ها به او القاب پورنیک پا طلایی یا سلطان دربی را داده بودند، در فوتبال مازندران و گرگان نامی آشناست. شاید نسل امروزی به علت فاصله ی زمانی، کمتر او را بشناسد اما سنین ۴۰سال به بالا شناخت بسیار خوبی نسبت به او داشته و خاطرات فوتبالی اش را نیز بیدار دارند. بچه محل باغ پلنگ و هم محله ای شاه ماهی خزر (پرویز کیانی) از همان روزگار کودکی و نوجوانی، زندگی را در زمین های ورزشی گذراند. با توپ فوتبال قد کشید و نیم قرن خاطرات فوتبالی اش را در مستطیل سبز رقم زد و با تکنیک منحصر بفردش به یک اعجوبه تبدیل شد. در رده های مختلف سنی برای گرگان و مازندران توپ زد و به تیم های منتخب پیوست. با بازی های درخشان در تیم منتخب دانشجویان دانشگاه های ایران و ارایه ی تکنیک نابش گل کاشت و به

ادامه یادداشت اول

خیام حکیم پرورش گر

از دی که گذشت، هیچ از او یاد مکن فردا که نیامدست، فریاد مکن بر نامده و گذشته بنیاد مکن حالی خوش باش و عمر بر باد مکن حکیم عمر خیام از انسانها می خواهد به همه اجزای طبیعت احترام بگذارند و عاشقانه پدیده های عالم را دوست بدارند او زندگی را هدفمند می داند و می سراید که: پیش از من و تو لیل و نهاری بوده است وین دور فلک، برای کاری بوده است پایبی که تو بر خاک نهی، نرمک نه کآن مرهمک چشم نگاری بوده است باری حکیم عمر خیام متعلق به خراسان بزرگ فرهنگی است و میراث فارسی زبان بشریت است کاش نام و جایگاه او آن چنان که شایسته ایران زمین بود پاس داشته می شد و برای متفکران خود احترام قائل بودیم.

صاحب امتیاز



۴) بت های نمایشی: یعنی خطاهایی که از استدالات و تعلیمات اشتباه فلاسفه رخ می دهد مثلاً بعضی فلاسفه مانند فیثاغورس و افلاطون حکمتشان بر پایه عقاید مذهبی شکل گرفته و خواسته اند که از داستان های مذهبی و حتی از ارواح و .. علم به دست آورند یا برخی دیگر از فیلسوفان مانند ارسطو برخی امور بدیهی و متداول را پیش فرض گرفته و بدون تحقیق در درستی یا نادرستی آنها، همه مسائل را با این امور معلوم می نمایند. حال با این اوصاف، روش خود بیکن برای تحصیل درست علم چگونه است؟ کسب علم برای دستیابی به قدرت است تا بتوانیم با تغییر و تبدیل طبیعت اجسام در طبیعت تصرف کنیم؛ بنابراین باید ابتدا مشاهده (Observation) و تجربه (Experience) در امور طبیعت که از این طریق مواد اولیه جمع آموری می شود را انجام داده؛ سپس استقراء (Induction) است که یعنی قوه تعقل را در مواد اولیه به کار برده و قوائد کلی را از آنها استخراج کنیم.

پژوهشگر

و آن را تابع اراده خود می سازد. در نهایت با پیشرفت علوم و انجام اختراعات زندگی خود را بهبود خواهد بخشید. بیکن معتقد است که کشف حقیقت تنها از طریق روش عقلی، قیاس، برهان و استخراج قواعد جزئی از کلیات میسر نمی شود، بلکه باید با استقراء و مطالعه جزئیات، کلیات را از آنها استخراج کرد و تا زمانیکه به این روش عمل نشود، استدلال و عقل ورزی مبتنی بر اوهام و تخیلات بوده، از جعلیات ذهن خود انسان است و با قواعد واقعی طبیعت نسبتی ندارد.

بت های ذهن:

بیکن بر این باور بود که ذهن انسان در کسب دانش دچار خطاهایی است که باعث بروز مشکلات و ایجاد موانعی برای او خواهد شد و آنها را بت نامید. **۱) بت های قبیله ای:** یعنی خطاهایی که ناشی از طبیعت بشری هستند مثلاً ذهن تمایل دارد همه امور را در نظم و کامل ببندد و مشابهت های بی مورد بین آنها قائل شود، برای همه چیز علت غایی قائل می شود، در عقایدش تعصب دارد و با عواطف و احساساتی مانند خشم، غرور، شهوت و ترس حکم می کند. همچنین حواس انسان که ابزار دستیابی به علم اند بسیار دچار خطا می شوند. **۲) بت های شخصی:** یعنی خطاهایی که اشخاص به دلیل طبیعت شخصی خود انجام می دهند، مثلاً مبنای عقاید هر کس بر اساس علایق اوست، بعضی جزئی بین و بعضی دیگر کلی بین هستند، بعضی شکاک و برخی دیگر جزم اندیش هستند. **۳) بت های بازاری:** یعنی خطاهایی که به دلیل نقص معنایی عبارات و الفاظ در گفتگوهای مردم با یکدیگر رخ می دهد. مثلاً الفاظی مانند شانس، بخت، اقبال و تصادف در خارج موجود نیست و یا معانی الفاظی مانند وجود، ماهیت، جوهر و عرض روشن و واضح نیست و در نتیجه مطالب به درستی فهمیده نمیشوند.

و دانش معرفی نموده است. بیکن در طول زندگانی ۶۵ ساله خود تلاش فراوانی برای حضور و انجام خدمت به دولت داشت که این مهم با به دست آوردن مناسبی مانند عضویت مجلس ملی و مجلس اعیان، ریاست قضاات کشور و مقامات بلندپایه دولتی دیگر نائل آمد. در کنار این گرفتاری های شغلی، او از خود کتاب هایی گرانبار و گرانها بر جای گذاشته است که مهم ترین عناوین آنها پیشرفت دانش و نو ارغنون (Novin Organon) است که شیوه کسب علم را بر اصولی تازه گذاشته است. علت انتخاب عنوان اخیر آن است که بیکن به جای منطق ارسطو که مشهور به ارغنون است، برای تحصیل علم روشی نو پیشنهاد کرده است. او در آثار خود از اهل حکمت و علمایی که به صرف بحث ها و مجادله های کلامی و لفظی بی حاصل می پرداختند و به گفته های پیشینیان بدون تعیین درستی یا نادرستی آنها تکیه می کردند انتقاد می کند و می گوید: فلاسفه تاکنون یا برای هوای نفس و کسب منفعت مالی به دنبال دانش بودند یا در طلب شهرت. حال آنکه وظیفه علم کسب قدرت و توانایی عملی برای بهبود اوضاع و احوال زندگی مردم و آسایش آنهاست.

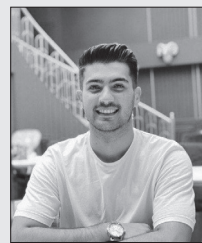
نو ارغنون:

بیکن با نگاهی انتقادی می گوید: فلاسفه قدیم گفته اند که، مقصود از طلب علم و دانش، رسیدن و شناخت حقیقت است. حال آنکه این سخن کافی نیست، علمی که از آن استفاده عملی نشود چه فایده ای دارد؟ البته که نتیجه به دست آمدن علم، معرفت یافتن به حقیقت نیز هست اما منظور نخست باید تحصیل قدرت باشد یعنی انسان به روش تجربی مشاهده و مطالعه طبیعت، قواعد و قوانین آن را کشف کرده و با پیروی و اعمال آنها بر طبیعت چیره می شود



نگاهی به اندیشمند مغرب زمین

فرانسیس بیکن



محمد حسین شعبانی

بیکن (Francis Bacon) [۱۵۶۱ – ۱۶۲۶] از بنیانگذاران علوم جدید که مبتنی بر تجربه و مشاهده است می داند و به نوعی او پدر معنوی مکتب فلسفی پوزیتیسم نیز هست. او از مهم ترین اشخاصی است که همزمان با هم عصرانش اروپا را وارد عصر مدرن کرده است. او با از حجیت انداختن دیانت مسیح و کتابها و تعلیمات قدیم، روشی تازه برای کسب علم

مراتع گنجینه‌ای طبیعی در مسیر پایداری

است که با حمایت مالی از مرتع‌داران از طریق ارائه تسهیلات و اعتبارات، می‌تواند بهره‌وری را افزایش داده و فشار بر مراتع را کاهش دهد. در این مسیر، توسعه اکوتوریسم و گردشگری پایدار در مناطق مرتعی، فرصت‌های شغلی و درآمدزایی جدیدی برای جوامع محلی فراهم می‌آورد و انگیزه‌ای برای حفظ این منابع ایجاد می‌کند. آموزش و آگاهی‌بخشی به جوامع محلی درباره اهمیت مراتع و روش‌های بهره‌برداری پایدار، نقشی کلیدی در تغییر نگرش‌ها و رفتارها دارد و با تقویت همکاری بین‌بخشی میان دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد، می‌توان برنامه‌های حفاظتی و توسعه‌ای را با هماهنگی بیشتری پیش برد. در کنار این اقدامات، نظارت دقیق بر فعالیت‌های صنعت ید، به‌منظور کاهش اثرات مخرب زیست‌محیطی آن، ضرورتی انکارناپذیر است که پایداری مراتع را تضمین می‌کند.

نقش مراتع در معیشت و فرهنگ

مراتع گلستان، علاوه بر تأمین معیشت چهار هزار و ۸۱۶ خانوار بومی و عشایر کوچنده شمال خراسان، از منظر دینی و فرهنگی نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. سرپرست فرمانداری آق‌قلا در این باره اظهار کرد: حفظ مراتع، اقدامی ارزشمند برای حفاظت از محیط‌زیست و تأمین امنیت غذایی منطقه است. حمایت ویژه از طرح‌های مرتع‌داری برای مقابله با بیابانی شدن، ضرورتی است که باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد. کوروش آهنگری افزود: گرمی‌داشت روز ملی مرتع، فرصتی برای جلب توجه به حفظ و احیای این عرصه‌ها در برابر تهدیدات و بهره‌گیری پایدار از مزایای آن‌هاست. امام‌جمعه آق‌قلا نیز با تأکید بر اهمیت حفظ انفال، گفت: باید تلاش بیشتری برای حفظ این منابع و انتقال آن به نسل‌های آینده صورت گیرد. وی خواستار مطالبه‌گری رسانه‌ها در خصوص چالش‌های زیست‌محیطی، به‌ویژه گسترش دریاچه شورابه صنعت ید، شد. مراتع گلستان، به‌عنوان رکنی حیاتی در حفظ اکوسیستم، تأمین علوفه، تولید گیاهان دارویی و توسعه پایدار، نیازمند توجه و سرمایه‌گذاری جدی هستند. فقر مراتع و کاهش پوشش گیاهی به دلیل خشکسالی، بهره‌برداری بی‌رویه و تغییرات اقلیمی، تهدیدی جدی برای این استان است. با مدیریت صحیح، حمایت از مرتع‌داران و اجرای طرح‌های حفاظتی، می‌توان از تخریب این گنجینه طبیعی جلوگیری کرد و نقش آن را در امنیت غذایی، رونق اقتصادی و بهبود معیشت مرزنشینان تقویت نمود. گرمی‌داشت روز ملی مرتع، فرصتی برای بازنگری در سیاست‌ها و اقدامات حفاظتی است تا آینده‌ای پایدار برای این سرمایه ملی رقم بخورد.



کسی پاسخگوی خسارت‌های زیست‌محیطی آن نیست. حجت‌الاسلام سید ابوالفضل حسینی با تأکید بر ضرورت رعایت استانداردهای زیست‌محیطی در این صنعت، افزود: ملی شدن صنعت ید می‌تواند مشکلات کنونی را برطرف کند و رسانه‌ها باید گسترش دریاچه شورابه و خسارت‌های آن به مراتع را مطالبه کنند. اداره منابع طبیعی و آبخیزداری آق‌قلا تاکنون اقداماتی نظیر کاشت گونه‌های مقاوم مانند آترپلکس و سالی سولا و ایجاد هالائی‌های آبگیر را در چهار هزار هکتار از مراتع این شهرستان اجرا کرده است. همچنین، طرح پوشش گیاهی برای ۳۰۰ هکتار از مراتع بحرانه‌زده در سال جاری برنامه‌ریزی شده است. در سطح استان، سال گذشته یک میلیون و ۲۰۰ هزار بوته مرتعی تولید و هزار و ۲۰۰ هکتار از مراتع در معرض خطر با مشارکت مردم و مرتع‌داران احیا شد. به‌ترک در این باره گفت: در گلستان، ۴۵ تعاونی مرتع‌داری فعالیت دارند و سال گذشته، ۹۰۰ هکتار از طرح‌های بوته‌کاری با مشارکت مردم انجام شد. وی افزود: مراتع گلستان، علاوه بر معیشت چهار هزار و ۸۱۶ خانوار بومی، برای عشایر کوچنده شمال خراسان نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

راهکارهای پیشنهادی برای پایداری مراتع

برای حفاظت و احیای مراتع گلستان، می‌توان با مدیریت پایدار منابع طبیعی، گام‌های مؤثری برداشت. اجرای طرح‌های آبخیزداری و تقویت پوشش گیاهی، راهی برای پیشگیری از فرسایش خاک و مقابله با بیابانی شدن

استان گلستان با گستره‌ای بالغ بر ۸۶۲ هزار هکتار مرتع، شامل مراتع بیلاقی و قشلاقی، یکی از کانون‌های اصلی تولید کشاورزی، به‌ویژه پرورش دام سبک، در کشور به شمار می‌رود و این مراتع علاوه بر حفظ اکوسیستم منطقه، با تولید اکسیژن، کاهش آلودگی هوا و تنظیم منابع آب، به توسعه پایدار منطقه یاری می‌رسانند. به گزارش ایرنا، مراتع گلستان، به‌ویژه در مناطق شمالی مانند آق‌قلا، گمیشان و گنبدکاووس، با تهدید جدی بیابانی شدن مواجه‌اند. رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری آق‌قلا در حاشیه بازدید از ۳۰۰ هکتار مرتع احیا شده در این شهرستان، اظهار کرد: مراتع نقش حیاتی در تولید اکسیژن، تنظیم منابع آب، حفظ خاک و کاهش آلودگی هوا دارند. سید محسن واقف افزود: از ۷۵ هزار هکتار مرتع این شهرستان، دو هزار هکتار به‌صورت لکه‌ای در معرض بیابانی شدن قرار دارند و تهدید ریزگردها و بیابانی شدن، معضلی جدی است که لزوم سرمایه‌گذاری بیشتر در پیشگیری و مقابله با بیابان‌زایی را دوجندان می‌کند. وی خاطرنشان کرد: تاکنون در سطح چهار هزار هکتار از مراتع، طرح پوشش گیاهی با کاشت گونه‌هایی مانند آترپلکس و سالی سولا و ایجاد هالائی‌های آبگیر اجرا شده و برای ۳۰۰ هکتار از مراتع بحرانه‌زده که به دلیل خشکسالی و ریزگردها به کانون بحران تبدیل شده‌اند، برنامه‌ریزی صورت گرفته است. عواملی نظیر تغییرات اقلیمی، خشکسالی‌های طولانی‌مدت، بهره‌برداری بی‌رویه، کمبود حق‌آبه رودخانه اترک، مجاورت با صحرای قره‌قوم ترکمنستان، بستر قدیمی دریای خزر و بالا بودن سطح آب‌های شور، به تشدید تهدید بیابانی شدن دامن زده‌اند. معاون فنی و آبخیزداری اداره کل منابع طبیعی گلستان، در این خصوص اظهار کرد: مراتع یک اکوسیستم زنده و پویا هستند و در گلستان، ۷۰ درصد عرصه منابع طبیعی را تشکیل می‌دهند که شامل ۷۶۱ هزار هکتار مراتع قشلاقی در شمال و ۱۰۱ هزار هکتار مراتع بیلاقی است. رمضان بهترک افزود: از ۷۶۰ هزار هکتار مراتع شمالی، ۳۰۶ هزار هکتار در معرض بیابانی شدن قرار دارد که ۱۳۰ هزار هکتار آن کانون بحران بوده و ۷۰ هزار هکتار با تهدید ریزگرد مواجه است. ۸۰ تا ۹۰ درصد ریزگردها منشأ خارجی از صحرای قره‌قوم ترکمنستان دارند و حل این چالش نیازمند دیپلماسی منطقه‌ای است. همچنین، گسترش دریاچه شورابه ناشی از فعالیت صنعت ید در آق‌قلا از ۶۰ هکتار به ۹۰۰ هکتار، نگرانی‌های زیست‌محیطی را افزایش داده است. امام‌جمعه آق‌قلا با اشاره به اهمیت حفظ انفال در دین اسلام، اظهار کرد: باید تلاش بیشتری برای حفظ انفال و انتقال آن به نسل‌های آینده صورت گیرد. افزایش حجم دریاچه شورابه صنعت ید، که از ۶۰ هکتار به ۹۰۰ هکتار رسیده، نگران‌کننده است و

تحلیل تداوم رسمی بودن زبان



بر پایه ی مستندات تاریخی، تا پیش از قس
بلکه زبان علم و ادب در هند بود. حتی تا او
-از شهرها تا روستاهای دورافتاده- فارسی زبان

جایگاه ایران در دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی

زبان مشترک همواره یکی از عوامل تسهیل‌کننده ی دیپلماسی و تعاملات سیاسی است. در صورت فراگیر بودن فارسی در شبه‌قاره هند، طبیعی است که قدرت چانه‌زنی و نفوذ دیپلماتیک ایران در منطقه افزایش می‌یافت. برای درک این موضوع، کفایت به نفوذ کنونی شورهای چون بریتانیا و فرانسه از رهگذر اشتراکات زبانی با سایر ملت‌ها نگاه کنیم. به عنوان مثال، انگلیسی‌زبان بودن کشورهای جنوب آسیا (در کنار پیوندهای استعماری) امروز بریتانیا را در جایگاه ویژه‌ای برای ارتباط با آن کشورها قرار داده است؛ همین‌طور فرانسه از طریق سازمان فرانکوفونی بر مستعمرات سابق خود نفوذ فرهنگی-سیاسی دارد. به طریق مشابه، اگر هند و کشورهای پیرامونش همچنان فارسی‌زبان اداری و نخبگانی بودند، ایران می‌توانست رهبر معنوی یا محور پیوند یک جامعه ی زبانی گسترده باشد. در دیپلماسی منطقه‌ای، اشتراک زبانی با هند و بعدها پاکستان، افغانستان و حتی بخش‌هایی از آسیای میانه، امکان همکاری‌های نزدیک‌تری را فراهم می‌کرد. برای نمونه، مذاکرات میان ایران و هند می‌توانست به فارسی انجام شود؛ این امر نه تنها ارتباط را تسهیل می‌کرد بلکه نوعی حسن تفاهم فرهنگی ایجاد می‌نمود. دیپلمات‌های ایرانی به خوبی قادر به درک ظرایف فرهنگی-اجتماعی طرف هندی بودند و برعکس، دیپلمات‌های هندی با ادبیات و تاریخ ایران آشناتر می‌بودند. چنین زمینه ی مشترکی احتمالاً در شکل‌گیری ائتلاف‌ها یا معاهدات منطقه‌ای مؤثر می‌افتاد. شاید سازمان‌هایی شبیه به اتحادیه‌های زبانی (مانند اتحادیه کشورهای هم‌زبان پرتغالی یا عربی) در حوزه ی فارسی‌زبان نیز شکل می‌گرفت که ایران در رأس آن قرار می‌گرفت. در عرصه ی بین‌المللی، گستردگی زبان فارسی می‌توانست جایگاه نمادین ایران را ارتقا بخشد. برای مثال، با جمعیت انبوه

برگردان شده و از طریق این زبان به خارج از هند انتشار یافته بود. بنابراین در صورت تداوم این وضعیت، فارسی می‌توانست نقش یک پل علمی-فرهنگی جهانی را ایفا کند و دانسته‌های بومی منطقه را به دیگر نقاط جهان منتقل نماید. علاوه بر این، جمعیت عظیم شبه‌قاره (شامل هند و بعدها پاکستان و بنگلادش) اگر با زبان فارسی مأنوس می‌ماند، شمار فارسی‌دانان جهان امروز به مراتب بیشتر می‌بود. برای مقایسه، در حال حاضر زبان فارسی حدود ۱۰۰ میلیون گویشور یا بیشتر دارد که عمدتاً محدود به ایران، افغانستان، تاجیکستان و پراکندگی‌های کوچکتری در منطقه است. این رقم در صورت رسمی‌بودن فارسی در هند می‌توانست چندین برابر شود. هند در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین جمعیت‌های انگلیسی‌دان دنیا را دارد و همین امر سهم بزرگی در جهانی‌شدن زبان انگلیسی داشته است؛ حال اگر به جای انگلیسی، فارسی زبان رابط نخبگان هندی می‌بود، ممکن بود فارسی به یکی از زبان‌های بزرگ بین‌المللی قرن بیستم و بیست‌ویکم بدل شود. در چنین فرضی، چه بسا زبان فارسی جایگاهی مشابه زبان‌هایی چون فرانسوی یا اسپانیایی در مجامع علمی و فرهنگی پیدا می‌کرد و حتی به عنوان یکی از زبان‌های رسمی سازمان‌های بین‌المللی مطرح می‌شد.

نفوذ فرهنگی ایران در شبه‌قاره هند و فراتر از آن

تاریخ نشان می‌دهد نفوذ فرهنگی ایران در هند تا پیش از دوره ی استعمار بسیار عمیق بوده است. شاعران و نویسندگان بزرگی در هند به زبان فارسی می‌نوشتند؛ سبک ادبی معروف به سبک هندی در شعر فارسی زاده تعامل فرهنگی ایران و هند بود. شخصیت‌هایی چون امیرخسرو دهلوی و بیدل دهلوی از مفاخر ادب فارسی‌اند که در خاک هند بالیده‌اند. با حذف فارسی در قرن نوزدهم، این پیوندهای فرهنگی به تدریج سست شد. اکنون اگر فرض کنیم این اتفاق نمی‌افتاد، می‌توان انتظار داشت که تبادل فرهنگی ایران و هند در دو سده ی اخیر بسیار پویاتر و گسترده‌تر می‌بود. نخست، ادبیات و هنر فارسی در هند به شکوفایی خود ادامه می‌داد. در واقع تا پیش از ۱۸۳۷ نیز حجم عظیمی از تاریخ و ادبیات هند به فارسی نوشته شده بود. اگر این روند استمرار می‌یافت، در قرن بیستم احتمالاً شاهد نسل‌های جدیدی از شاعران، نویسندگان و اندیشمندان هندی می‌بودیم که به فارسی قلم می‌زدند. این به معنای غنی‌تر شدن میراث ادبی فارسی و افزوده‌شدن شاهکارهای تازه‌ای به گنجینه ی مشترک ایران و هند بود. از سوی دیگر، ایرانیان نیز به واسطه ی زبان مشترک، دسترسی بیشتری به فرهنگ و ادب شبه‌قاره پیدا می‌کردند. برای نمونه، ممکن بود آثار ادبی مدرن هند (داستان، نمایش‌نامه و حتی فیلم‌نامه‌ها) نیز به فارسی خلق یا ترجمه شوند و در ایران مخاطب بیابند. همچنین سنت‌های فکری و دینی هند (مانند تصوف هندی-ایرانی، تعالیم فلسفی و...) که پیشتر از راه فارسی به ایران و جهان منتقل شده بود، استمرار یافته و توسعه پیدا می‌کرد. دوم، نفوذ عناصر فرهنگی ایرانی در زندگی روزمره ی شبه‌قاره شدیدتر می‌شد. بسیاری از واژگان فارسی تاکنون نیز در زبان‌های اردو، هندی و دیگر زبان‌های جنوب آسیا حضور دارند؛ با باقی ماندن فارسی به عنوان زبان رسمی، این تأثیر زبانی عمیق‌تر هم می‌گشت. شاید جشن‌های مشترکی مانند نوروز در آن خطه رواج بیشتری می‌یافت یا معماری و هنر ایرانی همچنان الهام‌بخش جریان‌های هنری محلی می‌بود. به طور کلی، ایران می‌توانست قطب فرهنگی بزرگ‌تری در آسیای جنوبی به‌شمار رود و هویت «جهان فارسی» (Persianate World) که زمانی تا هند امتداد داشت، در دوران مدرن نیز حفظ شود. نفوذ فرهنگی ایران فراتر از هند نیز از این وضعیت متأثر می‌شد. یکپارچگی زبانی میان ایران و بخش بزرگی از جهان اسلام (شامل هند و perhaps مناطق همجوار) می‌توانست شبکه‌ای از تعاملات فرهنگی را شکل دهد که دامنه ی آن از آسیای مرکزی تا خاورمیانه و جنوب آسیا کشیده می‌شد. در چنین شبکه‌ای، آثار فکری و هنری ایرانی به راحتی در یک جمعیت چندصد میلیونی در شرق جهان اسلام دست به دست می‌شد و بالعکس، دستاوردهای فکری هند نیز سریع‌تر به ایران می‌رسید. این گردش آزادتر محصولات فرهنگی بدون مانع زبان، می‌توانست موجب اعتلای هر دو فرهنگ و تقویت نفوذ نرم ایران در منطقه شود. در مقایسه با وضع کنونی که زبان فارسی عمدتاً محدود به ایران و کشورهای نزدیک است، در آن سناریو ایران نقش مرکز فرهنگی دنیایی وسیع‌تر را برعهده می‌گرفت.



مهدی مزیدی

مقدمه

زبان فارسی نزدیک به هزار سال در شبه‌قاره ی هند زبان علمی، فرهنگی و اداری بود و تا پیش از استعمار بریتانیا، مهم‌ترین زبان رسمی این سرزمین به‌شمار می‌رفت. در دوره ی حکومت گورکانیان (مغولان هند)، فارسی به اوج شکوفایی رسید و ادبیات و دانش فراوانی به این زبان تولید شد. با این حال، در دهه ی ۱۸۳۰ میلادی، دولت استعمارگر انگلیس تصمیم گرفت زبان فارسی را کنار بگذارد و آن را با انگلیسی و زبان‌های محلی جایگزین کند. این تغییر زبان در سال ۱۸۳۷ میلادی رسماً اجرایی شد و فارسی که قرن‌ها زبان دربار و دیوان‌سالاری هند بود، به حاشیه رانده شد. اکنون فرض کنیم اگر در همان قرن نوزدهم (حدود ۱۸۳۷ میلادی) چنین تبدیلی رخ نمی‌داد و زبان فارسی همچنان زبان رسمی هند باقی می‌ماند و انگلیسی جایگزین آن نمی‌شد. در این گزارش تحلیلی، پیامدهای احتمالی این سناریوی فرضی بر جایگاه ایران در جهان از منظر زبان، فرهنگ و دیپلماسی بررسی می‌شود. مواردی همچون گسترش جهانی فارسی به عنوان زبان علمی-فرهنگی، نفوذ فرهنگی ایران در هند و فراسوی آن، موقعیت ایران در دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی، اثرات ممکن بر تعاملات اقتصادی و رسانه‌ای و آموزشی، و مقایسه ی این وضعیت فرضی با جایگاه کنونی ایران مورد بحث قرار می‌گیرد. این تحلیل بر پایه ی شواهد تاریخی و زبان‌شناختی موجود است و به ما امکان می‌دهد ابعاد مختلف این «چه می‌شد اگر» تاریخی را بهتر درک کنیم.

گسترش جهانی زبان فارسی به عنوان زبان علمی و فرهنگی

اگر فارسی در قرن نوزدهم همچنان زبان رسمی و اداری هند باقی می‌ماند، بی‌گمان گستره ی جغرافیایی و شمار گویشوران آن بسیار بیشتر از امروز می‌شد. بر پایه ی مستندات تاریخی، تا پیش از تسلط انگلیس، فارسی نه تنها زبان حکومت بلکه زبان علم و ادب در هند بود. حتی تا اواخر قرن هیجدهم، در بسیاری از مناطق هند — از شهرها تا روستاهای دورافتاده — فارسی زبان رایج در میان فرهیختگان و مردم باسواد بود. در نتیجه، ادامه‌ی رسمی‌بودن فارسی می‌توانست این روند گسترش طبیعی را حفظ کند و فارسی را به یک زبان فراگیرتر در آسیا تبدیل نماید. از منظر علمی، حفظ جایگاه فارسی در نظام آموزشی هند احتمالاً به تولید و انتشار آثار علمی و دانشگاهی بیشتری به این زبان منجر می‌شد. در سناریوی فرضی ما، دانشگاه‌ها و مدارس هندی همچنان به آموزش فارسی به عنوان زبان علمی ادامه می‌دادند و نسل‌های جدید دانشمندان هندی می‌توانستند پژوهش‌های خود را به فارسی منتشر کنند. این روند می‌توانست انباشت دانش به زبان فارسی را افزایش دهد و فارسی را به یک زبان علمی منطقه‌ای، اگر نه جهانی، بدل کند. یادآور می‌شویم که پیش از استعمار، بسیاری از متون تاریخی، فلسفی و دینی هند به فارسی ترجمه شده و از طریق این ترجمه‌ها به جهان معرفی گردیده بود. به عنوان نمونه، تقریباً تمام کتاب‌های ادیان و فلسفه‌های هندی تا آن زمان به فارسی

فرضی

زبان فارسی در هند



سلط انگلیس، فارسی نه تنها زبان حکومت

آخر قرن هیجدهم، در بسیاری از مناطق هند

ن رایج در میان فرهیختگان و مردم باسواد بود

فارسی‌دان، ممکن بود زبان فارسی یکی از زبان‌های رسمی یا کاری در سازمان‌های مهم بین‌المللی (نظیر سازمان ملل متحد) باشد. هرچند انتخاب زبان‌های رسمی در سازمان ملل بیشتر بر اساس قدرت‌های سیاسی پس از جنگ جهانی بوده است، اما وزن فرهنگی و جمعیتی زبان‌ها نیز بی‌تأثیر نیست. در سناریوی فرضی ما، فارسی‌زبانان ممکن بود درصد قابل توجهی از جمعیت جهان را تشکیل دهند و این امر حضور زبان فارسی را در مجامع جهانی توجیه‌پذیرتر می‌ساخت. حتی اگر به طور رسمی چنین نمی‌شد، نفوذ نرم ایران به واسطه ی زبان در کشورهای مختلف افزایش می‌یافت؛ برای مثال، رسانه‌های عمومی یا دولتمردان کشورهای دیگر شاید پیام‌های خود را برای افکار عمومی ایران (و دیگر ملت‌های فارسی‌زبان) مستقیم به فارسی منتشر می‌کردند، چنان‌که امروز بسیاری از کشورها این کار را به زبان عربی یا چینی انجام می‌دهند. همچنین ایران می‌توانست نقشی شبیه «مادر فرهنگی» برای منطقه ایفا کند. به عبارتی، کشورهای جنوب آسیا شاید به ایران به عنوان خاستگاه زبان و ادب مشترکشان می‌نگریستند و نوعی احترام و پیوند تاریخی در روابط دوجانبه حاکم می‌شد. این وضعیت می‌توانست بر برخی تنش‌های سیاسی نیز فائق آید؛ چرا که مشترکات زبانی و فرهنگی اغلب زمینه‌ساز درک و مدارا در روابط ملت‌ها است. در مجموع، حضور پررنگ‌تر فارسی در جهان به معنای صدای رساتر ایران در دیپلماسی جهانی بود و تهران را به یکی از مراکز مهم تعاملات سیاسی-فرهنگی بدل می‌ساخت.

تأثیرات بر تعاملات اقتصادی، رسانه‌ای و آموزشی

فراتر از حوزه‌های فرهنگ و سیاست، ادامه یافتن رواج فارسی در هند پیامدهای عملی متعددی در زمینه ی اقتصاد، رسانه و آموزش

برجای می‌گذاشت. تعاملات اقتصادی میان ایران و شبه‌قاره بدون شک ساده‌تر و گسترده‌تر می‌شد. یک مانع بزرگ در تجارت بین‌الملل، تفاوت زبان و فرهنگ است؛ با داشتن زبان مشترک، بازرگانان ایرانی و هندی اعتماد و درک متقابل بهتری می‌یافتند. در سناریوی فرضی ما، شرکت‌های ایرانی می‌توانستند به راحتی اسناد و قراردادهای خود را با طرف‌های هندی به فارسی تنظیم کنند و نیروی کار دو کشور بدون مشکل زبانی در پروژه‌های مشترک همکاری کند. حتی ممکن بود یک بازار کار منطقه‌ای فارسی‌زبان شکل بگیرد که در آن متخصصان و کارگران از ایران تا هند جابجا شوند. نتیجه ی چنین وضعی، افزایش حجم مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک بود که می‌توانست به توسعه اقتصادی ایران نیز شتاب بخشد. در عرصه ی رسانه و ارتباطات، زبان فارسی می‌توانست یکی از زبان‌های پرمخاطب رسانه‌ای در آسیا باشد. تصور کنید جمعیت میلیونی هند و ایران برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی یا شبکه‌های اجتماعی مشترک به زبان فارسی داشته باشند. در گذشته، مطبوعات فارسی‌زبان در هند نقش مهمی در تبادل اخبار و اندیشه‌ها ایفا می‌کردند؛ چنان‌که روزنامه‌های فارسی چاپ هند حتی بر جنبش مشروطه ایران اثرگذار بودند. در صورت حفظ این میراث، در دوران جدید احتمالاً شاهد شکل‌گیری شبکه‌های ماهواره‌ای و وب‌سایت‌ها و رسانه‌های آنلاین فارسی‌زبان در گستره‌ای به مراتب وسیع‌تر می‌بودیم. این هم‌افزایی رسانه‌ای باعث می‌شد صدای ایران در رسانه‌های منطقه بازتاب بیشتری یابد و از سوی دیگر، ایرانیان نیز دسترسی مستقیم‌تری به تحولات و فرهنگ جوامع همسایه خود داشته باشند. به عنوان مثال، فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی امکان پخش و کسب محبوبیت در بازار عظیم هند و بالعکس را پیدا می‌کردند، بدون آن‌که نیاز به دوبله یا ترجمه داشته باشند. در حوزه ی آموزش و دانشگاه، پیامدهای هم‌زبانی گسترده قابل توجه است. دانشگاه‌های ایران می‌توانستند دانشجویان بیشتری از هند و سایر کشورهای آسیایی جذب کنند، چرا که زبان فارسی مانعی برای آنان نبود. همین‌طور دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی هند مقصدی طبیعی برای دانشجویان و پژوهشگران ایرانی می‌شدند. تبادل علمی میان دو کشور افزایش می‌یافت و حتی ممکن بود ما شاهد برنامه‌های درسی و تالیف کتب علمی مشترک به فارسی باشیم. به طور کلی، یک حوزه ی علمی-دانشگاهی مشترک به زبان فارسی در آسیا شکل می‌گرفت که بهره‌برداری از منابع و استعدادهای علمی را به صورت همگرا ممکن می‌ساخت. این وضعیت به نفع ارتقای علمی و آموزشی ایران بود، چرا که دستوردهای علمی دیگر کشورها سریع‌تر و مستقیم‌تر در دسترس جامعه ی ایرانی قرار می‌گرفت. همچنین نظام آموزشی ایران احتمالاً برخی الگوها یا محتواهای آموزشی خود را با کشورهای هم‌زبان تنظیم می‌کرد و استانداردهای منطقه‌ای پدید می‌آمد.

مقایسه با جایگاه کنونی ایران

برای آن‌که اهمیت این سناریوی فرضی روشن‌تر شود، باید نگاهی مقایسه‌ای به وضعیت کنونی ایران و زبان فارسی در جهان داشته باشیم. امروزه زبان فارسی علی‌رغم پیشینه ی درخشان تاریخی، در قیاس با زبان‌های استعماری همچون انگلیسی و فرانسوی یا زبان‌های گسترده ی منطقه‌ای مانند عربی و هندی، حوزه ی کاربری محدودتری در سطح بین‌المللی دارد. پس از حلف فارسی از هند در قرن نوزدهم، این زبان بخش بزرگی از حوزه نفوذ تاریخی خود را از دست داد. در حال حاضر، فارسی در هند یک زبان کلاسیک و انتخابی دانشگاهی است و تنها در محافل محدودی تدریس می‌شود؛ در حالی‌که انگلیسی نقش زبان میانجی را ایفا می‌کند. همین امر سبب شده که ایران از مزایای یک زبان فراگیر بین‌المللی محروم بماند و ارتباطات فرامرزی‌اش عمدتاً نیازمند واسطه (مترجم یا زبان ثالث) باشد. در بعد فرهنگی، ایران امروز نفوذ فرهنگی خود را بیشتر از طریق صادرات هنری (مانند فیلم و موسیقی) یا پیوندهای مذهبی و تاریخی اعمال می‌کند و نه لزوماً از طریق زبان فارسی. در مقابل، در سناریوی مورد بحث، زبان فارسی خود یک حامل فرهنگ می‌بود که بدون ترجمه، آثار و مفاهیم ایرانی را به جوامع دیگر منتقل می‌کرد. برای مثال، اکنون آثار ادبی مدرن ایران برای دسترسی به مخاطب هندی باید به انگلیسی یا اردو ترجمه شوند، اما در وضعیت فرضی فارسی‌دان بودن هندی‌ها، همان آثار مستقیم قابل خواندن می‌بودند. از سوی دیگر، بسیاری از عناصر فرهنگی ایران (از شعر

کلاسیک گرفته تا اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها) برای غیر فارسی‌زبانان امروز قابل درک نیست، حال آن‌که اگر فارسی زبان مشترک بخش بزرگی از جمعیت منطقه بود، سرمایه فرهنگی ایران قابل فهم و بهره‌برداری گسترده‌تری می‌شد. به بیان دیگر، اکنون ایران برای گسترش نفوذ نرم خود ناچار است زبان فارسی را به مخاطبان جدید بیاموزد، در حالی که در سناریوی جایگزین، این زبان از پیش در میان مخاطبان حضور می‌داشت. از منظر دیپلماسی نیز تفاوت چشمگیری دیده می‌شود. ایران کنونی برای پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی خود ناچار است در عرصه‌هایی بازی کند که قواعدشان را قدرت‌های دیگر (با زبان‌ها و گفتمان‌های دیگر) تعیین کرده‌اند. زبان رسمی تمام مجامع مهم بین‌المللی عملاً انگلیسی یا یکی از چند زبان بزرگ دیگر است و فارسی در این میان حضوری ندارد. این امر به طور غیرمستقیم بر قدرت نرم و تأثیرگذاری ایران سایه افکنده است. در عوض، در دنیایی که فارسی حضوری پررنگ‌تری می‌داشت، شاید ایران می‌توانست دستور کارها و گفتمان‌های منطقه‌ای خاص خود را بهتر پیش ببرد. برای نمونه، ممکن بود نشست‌های دوره‌ای کشورهای آسیای جنوبی-مرکزی به فارسی برگزار شود و ابتکار عمل دیپلماتیک در این نشست‌ها بیشتر در دست ایران باشد. در حال حاضر، چنین وزن سیاسی-زبانی برای ایران متصور نیست و تهران برای تأثیرگذاری بر همسایگان شرقی خود باید از ابزارهایی جز زبان مشترک بهره گیرد (مانند دیپلماسی اقتصادی، نظامی یا مذهبی). به طور خلاصه، جایگاه کنونی ایران در جهان از نظر زبان و فرهنگ، عمدتاً به عنوان کشوری با فرهنگ غنی اما زبان ملی محدود به مرزهای خود و چند کشور همجوار تعریف می‌شود. در سناریوی فرضی حفظ زبان فارسی در هند، چهره ی ایران در جهان به کلی متفاوت می‌بود. ایران هسته ی یک حوزه ی زبانی-فرهنگی بزرگ تلقی می‌شد که از آسیای غربی تا جنوبی امتداد دارد. هرچند نباید نقش سایر عوامل (مانند اقتصاد، سیاست بین‌الملل و ...) را در قدرت یک کشور نادیده گرفت، اما زبان به عنوان بستر تعاملات انسانی می‌توانست عاملی تسهیل‌گر و شتاب‌دهنده برای پیشرفت موقعیت ایران باشد. در واقع بخش قابل توجهی از آنچه ایران امروز برای کسب آن تلاش می‌کند — از دیپلماسی عمومی گرفته تا توسعه بازارهای جدید — در آن شرایط آسان‌تر به دست می‌آمد.

نتیجه‌گیری

تحلیل این فرض تاریخی نشان می‌دهد که استمرار نقش زبان فارسی به عنوان زبان رسمی هند در قرن نوزدهم، می‌توانست پیامدهای عمیقی بر جایگاه ایران در جهان داشته باشد. فارسی با بهره‌مندی از پشتوانه جمعیتی و جغرافیایی عظیم شبه‌قاره، به زبانی به‌مراتب فراگیرتر در عرصه ی بین‌المللی بدل می‌شد و در نتیجه ایران به عنوان خاستگاه این زبان، نقش محوری‌تری در تعاملات جهانی می‌یافت. نفوذ فرهنگی ایران از مسیر اشتراک زبانی تقویت شده و میراث فارسی به پلی میان ملت‌ها تبدیل می‌شد. در دیپلماسی، ایران از مزیت زبان مشترک برای ایجاد همگرایی منطقه‌ای و رساندن پیام خود بهره می‌برد و صدایش پژواک بلندتری در مجامع جهانی پیدا می‌کرد. در حوزه‌های اقتصاد و رسانه و آموزش نیز، زبان فارسی بستر همکاری‌های عمیق‌تر و گسترده‌تر را فراهم می‌ساخت و به توسعه همه‌جانبه ایران یاری می‌رساند. البته باید تأکید کرد که زبان به تنهایی تضمین‌گر پیشرفت یک ملت نیست و عوامل گوناگون دیگری در تعیین قدرت و جایگاه کشورها دخیل‌اند. با این حال، این بررسی فرضی نشان می‌دهد چگونه یک تغییر زبانی تاریخی می‌توانست مسیر متفاوتی برای ایران رقم بزند؛ مسیری که در آن ایران و فارسی‌زبانان سهم بیشتری در ساختار فرهنگی و زبانی جهان ایفا می‌کردند. در نهایت، سرنوشت تاریخی به گونه‌ای دیگر رقم خورد و زبان فارسی بخش قابل توجهی از قلمرو پیشین خود را ازدست‌داده است. اما میراث آن دوران هنوز در واژه‌ها، متون و پیوندهای فرهنگی برجا مانده و یادآور امکان‌های تاریخی است که می‌توانستند به واقعیت بدل شوند. چنین تأملاتی ما را با اهمیت راهبردی سیاست‌های زبانی و نقش فرهنگ در معادلات قدرت آشناتر می‌سازد و ارزش سرمایه‌های زبانی-فرهنگی را در دنیای امروز گوشزد می‌کند.

پژوهشگر

۷۲ درصد زایمان‌های اول سزارین است

رئیس مرکز بهداشت گنبدکاووس از شناسایی ۲ هزار و ۱۰۰ زن ناباور در این شهرستان خبر داد و افزود: سال گذشته ۵۸۷ مورد سقط جنین ثبت شده که با ارائه مشاوره، ۶۰ مورد از این تصمیم منصرف شدند. سرپرست شبکه بهداشت و درمان گنبدکاووس هم در این جلسه با تیریک هفته جوانی جمعیت (۲۴ تا ۳۰ اردیبهشت) از برگزاری برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و ورزشی در این هفته خبر داد. رضا صابری یکی از دلایل اصلی گرایش به سزارین را مسائل مالی دانست و راهکارهایی مانند توسعه زایمان طبیعی بدون درد و اعتباربخشی به پزشکان و بیمارستان‌ها را پیشنهاد کرد. رئیس اداره ثبت احوال گنبدکاووس هم گزارشی از کاهش آمار وقایع حیاتی ارائه کرد و گفت: سال گذشته پنج هزار و ۳۸۱ مورد ولادت ثبت شد که ۱۶۳ درصد کمتر از سال قبل است. جلیل‌گلدی امان‌زاده بیان کرد: همچنین هزار و ۷۹۹ مورد فوت (۱۳ درصد کاهش)، ۲ هزار و ۶۴۴ مورد ازدواج (۲۶ درصد کاهش) و ۸۵۵ مورد طلاق (هفت درصد کاهش) به ثبت رسید که این روند کاهش، زنگ خطری برای آینده جمعیتی این شهرستان است.



رئیس مرکز بهداشت گنبدکاووس اعلام کرد: ۷۲ درصد مادران این شهرستان برای تولد فرزند نخست به روش سزارین روی می‌آورند در حالی که استاندارد علمی برای این شیوه زایمان تنها ۳۰ درصد است. به گزارش روابط عمومی، عبدالرحیم پالیده در جلسه ستاد جوانی جمعیت این شهرستان اظهار کرد: میانگین کلی سزارین در گنبدکاووس به ۶۶٫۷ درصد می‌رسد که همچنان رقم بالایی محسوب می‌شود. وی بر ضرورت آموزش و فرهنگ‌سازی برای ترویج زایمان طبیعی میان زنان باردار، پزشکان متخصص و مراکز بیمارستانی تأکید کرد. پالیده با اشاره به قانون جوانی جمعیت، گفت: ۵۸ درصد اجرای این قانون بر عهده وزارت بهداشت و ۴۸ درصد دیگر بر عهده سایر نهادها و ادارات است. وی همچنین از اجرای طرح ملی «آمایش امید» خبر داد که هدف آن افزایش نرخ باروری به ۲٫۵ تا پایان سال ۱۴۰۶ است. رئیس مرکز بهداشت گنبدکاووس ادامه داد: در حال حاضر، نرخ باروری در شهر گنبدکاووس ۲٫۱۹ است اما در ۲۴ روستا و برخی مناطق شهری این شهرستان، این نرخ پایین‌تر از این مقدار بوده و به سطح بحرانی رسیده است.

«آگهی‌ثبتی

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۰۹۸۳۸/۱۰۹۸۳۱۲۰۰/۱۴۰۶ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۴/۸۰۰۰۳۹۲ تقاضای آقای جواد خمر به شماره شناسنامه و کد ملی ۲۱۱۰۱۲۵۴۴۶ صادره از گرگان فرزند محمود در شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است بمساحت ۱۰۴/۱۵ مترمربع از پلاک شماره ۱۲۶ - اصلی واقع در اراضی گلد بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ جواد پورمند- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۱۹۲۰۶۰۵

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قدیم تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۰۱۱۳۳۴/۱۰۱۱۳۳۶۰۳۱۲۰۰/۱۴۰۶ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۶۷۶ تقاضای آقای ایرج غفاری به شماره شناسنامه ۴۷۰ و کد ملی ۲۱۲۱۳۵۸۲۷۷ صادره از گرگان فرزند حجت الله در شش‌دانگ یک قطعه زمین بصورت باغ بمساحت ۱۴۵۱٫۳۰ مترمربع از پلاک شماره ۲۶۲۴ اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی عباس غفاری به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ جواد پورمند- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۱۹۲۱۱۷۴

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و

ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۱۲۰۶ صادره از گرگان فرزند محمدهدی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی که مقدار ۱٫۵ دانگ مشاع از ۶ دانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۳۷۷ مترمربع از پلاک شماره ۱۲- اصلی واقع در اراضی قلعه حسن بخش چهار حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ جواد پورمند- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۱۹۲۱۲۴۷

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۱۰۶۴ تقاضای آقای منصور پیکار پسران به شماره شناسنامه ۲۷۸ و کد ملی ۲۰۳۳۳۰۷۹۹۳ صادره از گنبدکاووس فرزند محمد در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۳۸٫۵۰ مترمربع از پلاک شماره ۱۲۶- اصلی واقع در اراضی گلد بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ جواد پورمند- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۱۹۲۱۳۳۵

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۱۰۳۷ تقاضای آقای حسین نجفی نودیجه به شماره شناسنامه ۶۱۸ و کد ملی ۲۱۲۰۸۴۳۲۹۵ صادره از گرگان فرزند علی حسین در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۱۵۸۴۸۹ مترمربع از پلاک شماره ۱۹۱ - اصلی واقع در اراضی نودیجه بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت

متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ جواد پورمند - کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان - شناسه آگهی ۱۹۲۲۰۷۸

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلا معارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۱۰۳۸ تقاضای آقای حسین نجفی نودیجه به شماره شناسنامه ۶۱۸ و کد ملی ۲۱۲۰۸۴۳۲۹۵ صادره از گرگان فرزند علی حسین در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۱۳۱۰۹۸۰ مترمربع از پلاک شماره ۱۹۱ - اصلی واقع در اراضی نودیجه بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ جواد پورمند- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۱۹۲۲۰۹۰

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۱۰۳۹ تقاضای آقای حسین نجفی نودیجه به شماره شناسنامه ۶۱۸ و کد ملی ۲۱۲۰۸۴۳۲۹۵ صادره از گرگان فرزند علی حسین در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۳۳۱۷۶٫۲۲ مترمربع از پلاک شماره ۱۹۱ - اصلی واقع در اراضی نودیجه بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ جواد پورمند- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۱۹۲۲۰۹۸

آگهی مزایده عمومی غرف

فروشگاه اتکا در نظر دارد

غرف ترشیجات،قهوه و پاستیل،ساعت،نان و شیرینی،صنایع دستی،اسباب بازی،لوازم ورزشی و مرغ و گوشت(علی آباد و آزادشهر) در فروشگاه های استان را از طریق برگزاری مزایده عمومی در اختیار متقاضیان قرار دهد. به همین منظور متقاضیان میتوانند جهت شرکت در این مزایده و کسب اطلاعات بیشتر از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز به آدرس گرگان ابتدای خیابان شهید بهشتی جنب اداره برق واحد بازرگانی مراجعه و اسناد مربوطه را دریافت، و یا با شماره ۰۱۷۳۲۲۳۸۹۸۱ تماس حاصل نمایند.

اتکا در رد و یا قبول پیشنهادات مختار بوده و هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده میباشد.





بندرگز، در فضای صمیمی کافه آناییت رقم خورد. این رویداد با اجرای شاهنامه‌خوانی توسط خانواده‌ی هنرمند از خطه‌ی چهارمحال و بختیاری، مورد استقبال چشم‌گیر اهالی فرهنگ، مدیران شهری و مردم فرهنگ‌دوست بندرگز قرار گرفت. در این آیین، بانو مهرانگیز قلاوند و اردلان بیرگانی با همراهی دختر هنرمند و نوجوان خود گردآفرید، در دومین تور سراسری شاهنامه‌خوانی خود را به بندرگز رساندند. این خانواده، که اجرای خود را از شهرکرد آغاز و پس از تهران و مازندران، در بندرگز ادامه داده‌اند، صدای اسطوره را با زبانی تازه و خانوادگی در گوش مخاطبان طنین‌انداز کردند. در این شب پراحساس، علاوه بر اجرای این خانواده‌ی فرهنگی، یکی از نوجوانان هنرمند بندرگز، فاطمه زهرا فندرسکی، نیز با نقالی شورانگیز خود مورد تحسین حاضران قرار گرفت. این رویداد با حضور گرم سعید هراتی، فرماندار محترم بندرگز، لیلا هزارجریبی، رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بندرگز، صداقت، رئیس اداره آب و فاضلاب، غلامرضا ایرجی، رئیس اداره دامپزشکی کردکوی، و احمدي، عضو شورای اسلامی شهر بندرگز همراه بود.



بازتاب حماسه در کافه آناییت بندرگز

ناهید احمد پناه

هم‌زمان با بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، یکی از گرم‌ترین و پرشورترین شب‌های فرهنگی

کوه و دریا، راوی‌گری و عشق، نسل دیروز و امروز و برگی زرین بر تقویم فرهنگی شهر افزود. خانواده‌ی پارسی‌دوست، پس از بندرگز، راهی توس و آرامگاه فردوسی خواهند شد تا با زبان و هنر خویش، دین خود را به خِرَد ایرانی ادا کنند.

در پایان برنامه، هدایایی از سوی کافه آناییت و فرمانداری به رسم یادبود به هنرمندان هدیه شد. کافه آناییت که پیش‌تر نیز سابقه‌ی میزبانی رویدادهای فرهنگی متعددی را در کارنامه دارد، این‌بار با نقالی و شاهنامه‌خوانی، پلی زد میان

خرید تضمینی کلزا از ۲۳ هزار تن گذشت



مدیر تعاون روستایی گلستان گفت: خرید تضمینی دانه روغنی کلزا در استان آغاز شده و تاکنون بیش از ۲۳ هزار تن محصول از کشاورزان خریداری شده است. به گزارش روابط عمومی، محمدرضا جامی با اشاره به آغاز خرید تضمینی کلزا در استان گلستان اظهار کرد: فرایند خرید از روزهای گذشته شروع شده و تاکنون حدود ۲۳ هزار تن کلزا از کشاورزان استان تحویل گرفته‌ایم. وی با بیان اینکه پیش‌بینی می‌شود امسال حدود ۵۸ هزار تن کلزا در سطح استان تولید خواهد شد، افزود: سطح زیر کشت کلزا در گلستان امسال قابل توجه بوده و طبق پیش‌بینی‌ها، تا پایان فصل برداشت، حجم خرید افزایش خواهد یافت. جامی از راه‌اندازی ۳۴ مرکز خرید تضمینی کلزا

در استان خبر داد و گفت: به جز این ۳۴ مرکز چهار مرکز روغن‌کشی هم مشغول خرید کلزا هستند. وی افزود: برای تسهیل کار کشاورزان، این مراکز در نقاط مختلف استان فعال شده‌اند و در صورت نیاز، تعداد آن‌ها افزایش خواهد یافت. مدیر تعاون روستایی گلستان در ادامه با اشاره به روند پرداخت وجوه کلزا گفت: طبق برنامه‌ریزی انجام‌شده، از ابتدای خرداد، حدود ۲۵ درصد از بهای کلزای تحویلی به کشاورزان پرداخت خواهد شد. وی افزود: طبق برآوردهای انجام شده مجموع ارزش ریالی کلزایی که امسال قرار است از کشاورزان گلستانی خریداری شود حدود دو هزار و ۳۵۰ میلیارد تومان است که این رقم نشان‌دهنده حجم بالای تولید و اهمیت اقتصادی این محصول در استان است.

صلح با خویشتن



مهدی فاضل

اینکه می‌گویند: «او در ستیز با خود است و درگیر با خود»، به معنای تجلی یک تنش و نزاع درونی جمعی، در سطح فردی و در بیرون است؛ آینه‌ای که رنج مشترک را بازتاب می‌دهد تا یک انسان، پیامبر بی‌پناهی تمام انبای بشر باشد. جای تردید ندارد که فقدان هارمونی درونی، مشخصه‌ی انسان پست‌مدرن است. اگر آنچه درون تو جریان دارد سکوت است، احتمالاً مرده‌ای! «صلح با خود» می‌تواند عنوان کتاب‌های بسیار ارزشمندی در ژانر کم‌دی کودک باشد. کافکا در نامه‌ای به پدر خود می‌نویسد: «در درونم صحنه‌ای بی‌پایان از محاکمه برپاست؛ دادگاهی که در آن هم متهم، هم قاضی، هم تماشاجی، بی‌آنکه بتوانم حکمی صادر کنم یا رهایی یابم.» القصه! ماییم و زمزمه‌های گوناگون و متضادی که در ابتدا به‌مثابه‌ی دوست ظاهر می‌شوند و سپس ما را به صلیب می‌کشند؛ بدترین دشمنان ما، غالباً دوستان سابق ما هستند. کسی چه می‌داند! شاید صلح با خود، خیانتی به کثر صداهای درونی باشد؛ صداهایی که تمنای آزادی دوباره دارند و آنقدر بلندند که دیگر درست شنیده نمی‌شوند، ما نیز قصد سرکوب وحشیانه‌ی آن‌ها را داریم ولی به پیروزی حتی نزدیک نمی‌شویم. نه! وحشتی در کار نیست و انسجامی وجود ندارد! ما به صدای یگانه‌ای نخواهیم رسید. کاش حقیقت در میان کشمکش‌های درونی ما در حرکتی آهسته باشد. حقیقتی که با زبانی ویژه بیاید، زبانی که تنها ما دلشکستگان آن را درمی‌یابیم. اگر جز این باشد تا ابد با وحشت از این جنون پرهیاهو خواهیم زیست و با عمیق‌ترین تردیدهای مان خواهیم مرد.

شد اما ممکن است رفته رفته کم‌رنگ تر شود که این نیز در صورتی رخ می‌دهد که شما آشنایی و تسلط بر زبان‌های دیگر داشته باشید. وی رفتار نسل جوان را زنگ خطری برای زبان فارسی دانست و بیان کرد: نسل جوان امروزه کلمات را به صورت جویده جویده و ناقص ادا می‌کنند این خودش می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که برخی سواد لازم و کافی برای خواندن و نوشتن صحیح کلمات را ندارند. او در ادامه افزود: وظیفه سازمان‌هایی همچون آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که این زنگ خطر را جدی تلقی کنند و از متخصصان حاقق در عرصه‌های علمی و اجتماعی برای پاسداشت و انتقال این نماد هویت استفاده بهینه کنند. وی برگزاری محافل ادبی و انجمن‌های شاهنامه‌خوانی، حافظ خوانی، سعدی خوانی، تاریخ بیهقی خوانی، مشاعره، عصر شعر و داستان را از نمونه کارهای پیشنهادی بیان کرد که مسئولان می‌بایست اهتمام ویژه‌ای برای اجرایی شدن آن بوزنند. ضمیری خاطرنشان کرد: در کشوری که با چاپ و تحویل فقط سه جلد کتاب به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هر فردی مولف قلمداد می‌شود یا در کشوری که دغدغه معیشت بر دغدغه خرید و خوانش کتاب، اولویت دارد نیاز است تا مسئولین و مردم، اراده‌ای ملی میهنی برای حفظ و گسترش این زبان مادری به عنوان میراثی تکرار نشدنی داشته باشند.

ابزار ارتباط، بلکه حامل اندیشه، ادب و تمدن غنی ایرانی است. وی درباره اهمیت و پاسداشت زبان فارسی گفت: پاسداشت روز زبان فارسی، ضرورتی فرهنگی است؛ چرا که این زبان نه‌تنها وسیله‌ای برای ارتباط، بلکه گنجینه‌ای از هویت، تاریخ و اندیشه‌های عمیق ملت ایران است که بی‌توجهی به آن به معنای کم‌توجهی به ریشه‌های فرهنگی و ملی ماست. او زبان را به عنوان یکی از بزرگترین اختراعات بشر معرفی کرد که نقش اساسی در شکل‌گیری ارتباطات و توسعه زندگی اجتماعی ایفا کرده است و اضافه کرد: در این میان، زبان فارسی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین زبان‌های جهان، با توانایی در بیان مفاهیم عمیق و فاخر، توانسته از دل حوادث و رویدادهای بزرگ تاریخی عبور کند و همچنان پابرجا بماند. این کارشناس زبان و ادبیات فارسی افزود: یکی از شاخص‌ترین نمادهای هویت ملی ایران، زبان رایج در این مرز و بوم است که در سال‌های اخیر با حضور رسانه‌های مجازی، سرعت انتقال مفاهیم بالا رفته و حجم اطلاعاتی که در اختیار همگان قرار می‌گیرد نیز بصورت روزافزونی قابلیت دسترسی پیدا کرده است. ضمیری در خصوص دنباله روی نسل جوان گفت: امروزه نسل جوان گام‌هایی برای عبور از سنت به مدرنیته برمی‌دارد و سعی دارد از تحولات جهانی عقب نیفتد اما چیزی که برای ما حائز اهمیت است این است که زبان مادری هیچ وقت فراموش نخواهد

هشدار کارشناسان درباره فرسایش میراث کهن

کارشناس زبان و ادبیات فارسی ضمن ابراز نگرانی از روند نگران‌کننده کم‌رنگ شدن زبان معیار در میان نسل جوان خواستار اقدامات عملی نهادهای فرهنگی برای صیانت از این میراث کهن شد. حسن ضمیری، کارشناس زبان و ادبیات فارسی در گفت و گو با ایسنا، با اشاره به اینکه زبان فارسی به عنوان یکی از کهن‌ترین و پرمایه‌ترین زبان‌های زنده جهان، بخش مهمی از هویت فرهنگی و تاریخی ایرانیان را تشکیل می‌دهد، اظهار کرد: این زبان با پیشینه‌ای چند هزار ساله نه‌تنها

گنج نهفته در زباله‌ها



استان گلستان با تولید روزانه حدود هزار تن زباله ظرفیت بالایی برای تبدیل این پسماندها به منبعی برای درآمد اشتغال پایدار و بهبود محیط زیست دارد و کارشناسان معتقدند با توسعه زیرساخت‌های موجود تفکیک بهینه پردازش صحیح و دفن بهداشتی زباله‌ها می‌توان ضمن کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی، فرصت‌های اقتصادی جدیدی برای این استان شمالی ایجاد کرد. به گزارش ایرنا، گلستان دو سایت اصلی مدیریت پسماند در شهرهای آق‌قلا و آزادشهر دارد که زباله‌های مناطق شرق و غرب استان را پردازش می‌کنند اما چالش‌هایی نظیر جانمایی نادرست سایت‌ها، کمبود زیرساخت‌ها و ضعف‌های فرهنگی در حوزه تفکیک زباله مانع بهره‌برداری کامل از این ظرفیت شده است. سایت آق‌قلا روزانه ۹۵۵ تن زباله از ۱۴ شهر و ۳۰۰ روستای غرب استان به علاوه ۲۵۵ تن زباله ورودی از مازندران دریافت می‌کند و سایت آزادشهر حدود ۲۵۰ تن زباله از ۱۶ شهر و ۳۱۷ روستای شرق استان را مدیریت می‌کند. حسن ملک شاهکوهی مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند گلستان اظهار کرد: این استان از پیشگامان مدیریت پسماند در کشور است و مشکل جدی در جمع‌آوری و پردازش زباله وجود ندارد با این حال بررسی‌های میدانی و گزارش‌های ایرنا از گفت‌وگو با کارشناسان و مدیران استانی نشان‌دهنده وجود کاستی‌هایی در زیرساخت‌ها و ضعف‌های فرهنگی در این حوزه است. یکی از مشکلات اصلی سایت آزادشهر، جانمایی نادرست آن در فاصله کمتر از یک کیلومتر از شهر و نزدیکی جاده بین‌المللی شمال-مشهد است که از دو دهه پیش مشکلات زیست‌محیطی مانند بوی نامطبوع ناشی از پردازش زباله‌ها و گاز متان حاصل از دپوی پسماند را برای اهالی شهر و روستاهای اطراف ایجاد کرد. هرچند در سال‌های گذشته با توقف دفن زباله در این سایت و انجام برخی اقدامات زیرساختی مانند کاهش شیرابه‌ها مشکلات تا حدی کم شده اما بوی ناشی از تخلیه بارگیری و هوادهی کمپوست همچنان آزاردهنده است. ندا کوهستانی، معاون هماهنگی امور عمرانی فرماندار آزادشهر گفت: بخش زیادی از زباله‌های ورودی به سایت آزادشهر پس از تفکیک و پردازش با تریلی‌های مخصوص به سایت آق‌قلا منتقل می‌شود اما بوی ناشی از فعالیت‌های پردازش همچنان در برخی ساعات برای ساکنان مناطق اطراف

مشکل‌ساز است. ملک شاهکوهی معتقد است: بوی نامطبوع سایت آزادشهر به دلیل تخلیه غیرقانونی چند هزار لیتر فاضلاب انسانی در نزدیکی این سایت است و پردازش زباله‌ها در این مکان مشکلی ایجاد نمی‌کند. مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند گلستان افزود: سازمان پسماند با همکاری اداره کل حفاظت محیط زیست گلستان در حال مطالعه برای یافتن مکان جدیدی برای دفن بهداشتی زباله‌های شرق استان است که هنوز نهایی نشده است. تفکیک زباله از مبدا یکی از مهم‌ترین ارکان مدیریت پسماند است که در گلستان به دلیل نبود آموزش کافی فرهنگ‌سازی ضعیف و کمبود زیرساخت‌ها یا اجرا نمی‌شود یا با شکست مواجه شده است. کارشناسان مسائل اجتماعی و محیط زیست معتقدند موفقیت در تفکیک زباله نیازمند آموزش مستمر تربیت نیروی انسانی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب از سوی متولیان رسانه‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد است. علاوه بر این تفکیک صحیح زباله می‌تواند هزینه‌های جمع‌آوری را کاهش داده و عواید مالی قابل توجهی برای شهروندان و نهادهای مسئول به همراه داشته باشد. در گنبدکاوس روزانه بیش از ۱۲۰ تن زباله تولید می‌شود که به گفته معاون خدمات شهری شهرداری این شهر ۳۰ تا ۴۰ درصد آن زباله خشک و

قابل بازیافت است. ایرج شفیع‌پور متوسط تولید زباله هر شهروند گنبدی را ۷۵۰ گرم و هزینه جمع‌آوری و حمل هر کیلوگرم زباله را ۶ هزار ریال اعلام کرد اما بسیاری از شهروندان زباله‌های قابل بازیافت خود را به شرکت‌های طرف قرارداد یا نرم‌افزار زیباشهر که برای این منظور طراحی شده تحویل نمی‌دهند. در آزادشهر نیز مهلی طبسی معاون خدمات شهری شهرداری این شهر مشکلات اقتصادی فعالیت زباله‌گردها و ضعف فرهنگی را از دلایل اصلی شکست طرح تفکیک زباله می‌داند و معتقد است اجرای موفق این طرح تنها با آموزش و فرهنگ‌سازی امکان‌پذیر است. ملک شاهکوهی نیز با تأیید ناکامی طرح تفکیک زباله در بیشتر شهرهای گلستان تأکید کرد: فرهنگ‌سازی در این حوزه نیازمند ۲۰ سال فعالیت مستمر است. وی قراردادهای کوتاه‌مدت با پیمانکاران، عمر کوتاه شوراهای شهرداریان و فعالیت غیربهداشتی زباله‌گردها را از موانع اصلی موفقیت این طرح دانست و افزود: آموزش کودکان و نوجوانان به عنوان سرپرستان آینده خانواده‌ها می‌تواند کلید موفقیت بلندمدت باشد.

چالش‌های سایت آزادشهر از بوی نامطبوع تا انتقال زباله

سایت ۲۲ هکتاری پسماند آزادشهر به دلیل نزدیکی

به شهر و جاده بین‌المللی از ابتدا با مشکلات متعددی همراه بوده و بوی نامطبوع ناشی از پردازش زباله‌ها و هوادهی کمپوست‌ها همچنان ساکنان شهر و روستاهای پایین‌دست را آزار می‌دهد. اگرچه دفن زباله در این سایت از حدود ۲ سال پیش متوقف شده و زباله‌ها پس از تفکیک و پردازش به سایت آق‌قلا منتقل می‌شوند اما این روند هزینه‌بر و غیربهینه است. تلاش‌هایی برای کاهش مشکلات این سایت در جریان است از جمله تبدیل بخشی از مساحت آن به مزرعه گل نرگس برای کاهش بوی نامطبوع اما کوهستانی تأکید کرد در بلندمدت تغییر مکان این سایت ضروری است.

چشم‌انداز طلایی تبدیل زباله به ثروت

سازمان پسماند گلستان برنامه‌های نوآورانه‌ای برای بهره‌برداری بهتر از طلای کثیف دارد که یکی از این برنامه‌ها، تولید برق از زباله است که به گفته ملک شاهکوهی به تازگی تفاهم‌نامه‌ای سه‌جانبه بین استانداری، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و کارخانه سیمان گلستان امضا شده است. بر اساس این تفاهم‌نامه، گاز حاصل از پرس زباله‌ها با استفاده از روش آری دی اف (RDF) به برق تبدیل شده و این برق جایگزین گاز مصرفی کارخانه سیمان خواهد شد. از مجموع ۹۰۰ تا هزار تن زباله تولیدی روزانه گلستان که نیمی از آن زباله تر و قابل تبدیل به کمپوست است تنها ۲۵ تن کمپوست در دو سایت آق‌قلا و آزادشهر تولید و روانه بازار می‌شود که این آمار، نشان‌دهنده استفاده غیربهینه از ظرفیت زباله‌های تر است که با بهبود زیرساخت‌ها و افزایش تولید کمپوست می‌توان درآمد و اشتغال پایدار ایجاد کرد.

گلستان در مسیر توسعه پایدار

مدیریت پسماند در گلستان با وجود پیشرفت‌های قابل توجه همچنان با چالش‌هایی مانند نبود تفکیک زباله از مبدا، ضعف فرهنگ‌سازی و کمبود زیرساخت‌ها مواجه است. با سرمایه‌گذاری در آموزش شهروندی توسعه زیرساخت‌ها و اجرای طرح‌های نوآورانه مانند تولید برق از زباله طلای کثیف گلستان می‌تواند به منبعی برای توسعه اقتصادی اشتغال‌زایی و حفاظت از محیط زیست تبدیل شود.

نجات یک صنعت توسط هلال احمر گلستان

امدادی، اجتماعی و فرهنگی هلال احمر نقش آفرینی می‌کنند. غرب‌آبادی افزود: هلال احمر گلستان با اعزام ۲۰ کاروان سلامت به مناطق محروم و مرزی، خدمات پزشکی و حمایتی را به مردم این مناطق ارائه کرده است. وی ادامه داد: این کاروان‌ها با ارائه خدمات رایگان پزشکی، دارویی و حمایتی، نقش موثری در کاهش آلام و ارتقای کیفیت زندگی در مناطق کم‌برخوردار ایفا کرده‌اند. مدیرعامل جمعیت هلال احمر گلستان از حضور خودروی سفیر آموزش در ۱۳ شهرستان و روستای مرزی به مدت ۱۰ روز و آموزش به بیش از هزار و ۵۰۰ نفر خبر داد و گفت: همچنین در ایام نوروز، ۲۰ هزار نفر از آموزش‌های همگانی بهره‌مند شدند که این آموزش‌ها، از کمک‌های اولیه تا آمادگی در برابر بلایا، نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری جامعه دارند. غرب‌آبادی گفت: طبق استانداردهای جهانی، هر ۳۰ کیلومتر باید یک پایگاه امداد و نجات وجود داشته باشد و گلستان با ۱۷ پایگاه فعال، همچنان به ۱۵ پایگاه جدید نیاز دارد. وی ادامه داد: توسعه زیرساخت‌های امدادی در اولویت برنامه‌های هلال احمر گلستان قرار دارد تا پوشش امدادی استان کامل شود. مدیرعامل جمعیت هلال احمر گلستان در ادامه به برنامه‌های نهاد در حمایت از نیازمندان اشاره کرد و گفت: پارسال بیش از ۶ هزار بسته معیشتی در مناطق محروم توزیع شد و در ماه رمضان نیز ۲۵ هزار بسته دیگر با کمک خیرین به دست نیازمندان رسید.

از نوروز، ۱۵ دستگاه خودروی کمک‌دار صفر کیلومتر به پایگاه‌های امدادی استان تحویل شد و تاکنون دو دستگاه آمبولانس وارد شده است. مدیرعامل جمعیت هلال احمر گلستان بیان کرد: همچنین چهار آمبولانس دیگر نیز به‌زودی به ناوگان اضافه خواهد شد که این تحول، پایانی بر ۱۳ سال انتظار برای دریافت خودروهای عملیاتی بود. وی همچنین از برنامه خرید هزار و ۵۰۰ آمبولانس جدید در کشور خبر داد و افزود: با تحقق این برنامه، مشکل کمبود تجهیزات خودرویی در گلستان به‌طور کامل برطرف خواهد شد و این دستاورد، زیرساخت‌های امدادی استان را به سطحی بی‌سابقه ارتقا داده است. غرب‌آبادی به شایعات اخیر درباره خروج بالگرد امدادی از گلستان خبر داد و گفت: مالکیت این بالگرد که به‌صورت تمام‌وقت در استان مستقر است به جمعیت هلال احمر تعلق دارد و در صورت بروز حوادث بزرگ در دیگر نقاط کشور، این پرنده امدادی به مناطق نیازمند اعزام می‌شود. وی با اشاره به وجود تنها ۱۶ بالگرد امدادی در کشور و زمین‌گیر شدن برخی از آن‌ها به دلیل تحریم‌ها و خرابی، گفت: با حمایت رییس جمعیت هلال احمر کشور، فرایند تعمیر و بازگشت این بالگردها به چرخه عملیاتی آغاز شده است و این اقدام، توان امدادی کشور را به‌طور قابل توجهی تقویت خواهد کرد. مدیرعامل جمعیت هلال احمر گلستان همچنین اعلام کرد: ۸۹ هزار جوان گلستانی به‌عنوان داوطلب در مأموریت‌های

مدیرعامل جمعیت هلال احمر گلستان درباره حواشی مالکیت کارخانه روغن زیتون بندرگز گفت: این واحد صنعتی در آستانه فروش و ورشکستگی بود که با پیگیری‌های انجام‌شده، به شرط سودآوری به هلال احمر گلستان واگذار شد و اکنون با ارزشی بالغ بر ۲ هزار میلیارد ریال به‌عنوان یک سرمایه بازگشتی، زمینه تولید و اشتغال‌زایی را در استان فراهم کرده است. به گزارش روابط عمومی، قاسم غرب‌آبادی اظهار کرد: فعالیت‌های این نهاد ماهیتی بین‌رشته‌ای دارد و از حوزه جوانان، درمان و آموزش تا فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. وی بیان کرد: این کارخانه نه‌تنها از ورشکستگی نجات یافت، بلکه به منبعی برای توسعه اقتصادی استان تبدیل شده است. مدیرعامل جمعیت هلال احمر گلستان همچنین از عملکرد درخشان این نهاد خبر داد و ادامه داد: هلال احمر گلستان با مدیریت بیش از دو هزار حادثه، از حوادث جاده‌ای و کوهستانی گرفته تا گم‌شدگی، سقوط از ارتفاعات و پاراگلایدر، در میان سه استان برتر کشور در امدادرسانی قرار دارد. غرب‌آبادی با تأکید بر اینکه خدمت بی‌چشمداشت، جوهره فعالیت هلال احمر است، افزود: احترام، امدادرسانی و کمک به مردم تنها وظیفه این نهاد است و هیچ‌گاه به دنبال مزد یا تشکر نبوده‌ایم. وی از ورود ۲۱ خودرو و آمبولانس جدید به ناوگان هلال احمر گلستان در راستای تقویت زیرساخت‌های امدادی خبر داد و گفت: پیش